

مدارس فقه

محمد مهدی آصفی

محمد مهدی آصفی، در سال ۱۳۱۸ شمسی در نجف اشرف به دنیا آمد و در همانجا به تحصیل علوم دینی مشغول شد و در سطح فقه اصول و فلسفه از محضر حضرات آیات: شیخ مجتبی لنگرانی و ملا صدرا بادکوبی، استفاده برد و خارج فقه و اصول را خدمت آیات عظام، سید محسن حکیم، حضرت امام خمینی، خوئی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلی و دیگران تلمذ کرد. ایشان همزمان با درس حوزه به تحصیلات جدید پرداخت و موفق به اخذ درجه فوق لیسانس در رشته علوم اسلامی از دانشگاه بغداد شد. نامبرده قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در کویت به نمایندگی از طرف مراجع تقلید به خدمت اشتغال داشت و هم اکنون در قم به کارهای علمی و اجتماعی مشغول است. مؤلف در حدود ۲۲ اثر چاپ شده به زبان عربی در فقه، تفسیر، مسائل فکری اسلامی، مقاله، فلسفه و تاریخ دارد که از جمله عبارتند از: ۱- المدخل الی التشریح الاسلامی، ۲- الامامه فی التشریح الاسلامی، ۳- النظام المالئ و تداول الثروة فی الاسلام، ۴- الملاحه الزوجیه فی القرآن، ۵- ملکیه الارض، ۶- تفسیر سوره الانفال.

این موضوع، مسأله مهمی است که نیاز به توجه و بررسی دارد و ما به نحوی گذرا و سریع به آن می پردازیم، شاید توفیق یابیم راهی برای پژوهشگران آینده که با عنایت و دقت بیشتری موضوع را بررسی و پیگیری خواهند کرد، بگشاییم.

تحول مدرسه فقاقت در نزد شیعه، تاریخ ممتد و طولانی دارد، همچنانکه هر پدیده دیگر اجتماعی و هر موجود زنده ای سیر تکاملی دارد. برای بررسی و مطالعه سرگذشت فقه شیعه باید حلقه های این تطور را به یکدیگر اتصال دهیم و پدیده فقه را با پدیده های دیگر محیط و آنچه در امتداد تاریخ بر آن اثر گذارده مربوط سازیم. چرا که از لحاظ اصولی و منطقی نمی توان موضوع فقه را، در راستای تاریخ، بدون عوامل

نچه مایه تأسف است، اینکه تا به امروز، تاریخ فقه شیعه از سوی پژوهشگران با روشی کامل، فراهم نیامده و اگر شخصی یا اشخاصی از تاریخ تکامل فقه شیعه و سیر تحول آن سخن به میان آورده اند، از حدود زندگینامه و سرگذشت فقها و طبقات محدثین فراتر نرفته اند و تاکنون تصنیفی که روشنگر ادوار مختلف فقه شیعه و مراکز تحول بررسی های فقهی و پیدایش مدارس شیعی در طول تاریخ اسلام باشد و سیمای این مدارس را طور کامل ارائه دهد و ویژگی و امتیاز هر مدرسه نسبت به مدرسه قبلی و عوامل رشد و شکوفایی آنها را باز گو کند، فراهم نیامده است و همچنین اکنون کسی از اهل تحقیق، به چگونگی تکامل فقه شیعه از سطح مجموعه های «چهار صدر ساله» حدیث و اصول تا سطح الحدائق الناضره و فواهر الکلام به بحث و بررسی نپرداخته است.

فقه شیعه از مدینه به کوفه منتقل شد، کوفه مرکز و کانون نشر آن گردید و علم فقه در این محله جدید از امکانات و روش بحث علمی استفاده فراوان برد. همچنین هنگامی که فقه از حوزه بغداد منتقل شد علم فقه از امکانات علمی فقهاتی که در این محیط جدید وجود داشت بهره بسیار جست و کمک شایانی به نضج و تکامل شیوه‌های بحث علمی و اصولی در فقه کرد.

۳. شخصیت فقهاء

عامل سومی که در تکامل و بالندگی فقه مؤثر است و نمی‌توان از آن صرف نظر کرد - هر چند ادعای جامعه‌شناسان به گونه‌ای دیگر باشد - خصوصاً وابعاد فکری و عمق اندیشه فقیه و اصابت و بلندنگری اوست که در تحول و شکوفایی فقه نقشی والا دارد. مثلاً آن مطالب جدیدی را که شیخ طوسی در فقه طرح کرد کلاً ارتباطی با عامل محیط و زمان ندارد، بلکه به شخص و شایستگی‌های شیخ و نبوغ ذاتی او بستگی دارد و شخص پژوهشگر، در پژوهش خویش نمی‌تواند از این عامل چشم‌پوشی کند.

اکنون ما با توجه به سه عامل مزبور، سعی می‌کنیم که تاریخ فقه شیعه و تحول آن را و نیوی پیدایش مدارس فقهی را با بررسی وضعیت هر یک از این مدارس، هر چند مختصر و گذرا، مورد بررسی قرار دهیم. لکن در این بررسی تاریخ با توجه به آنچه گفته شد از تقسیماتی که مورخ فقه و حدیث شیعی ارائه داده‌اند صرف‌نظر خواهیم کرد.

وقتی که یک مدرسه فقهاتی را به شهر خاصی مثل کوفه، بغداد یا مدینه نسبت می‌دهیم مقصودمان این نیست که تمام مدارس در این شهر تمرکز یافته‌اند یا اینکه پیشوایان و اساتید این مدرسه‌ها از حوزه‌های خود خارج نشدند و در پیدایش و ایجاد مدارس مناطق دیگر نقش نداشته‌اند، بلکه هدف و منظور ما این است که

محیطی و زمانی مورد بررسی قرار داد. بنابراین فقه نیز هیچگاه خارج و جدا از زندگی اجتماعی و محیط و عوامل محیطی رشد و شکوفایی نیافته و ممکن نیست آن را از تأثیراتی که در پیدایش تاریخ بشری نقش و دخالت داشته برکنار شمرد. لذا باید این پدیده (فقه) را با دیگر پدیده‌ها و عوامل محیطی و زمانی پیوند و ارتباط داد تا از این رهگذر بتوان از انگیزه‌های رشد و بالندگی آن شناخت بیشتری به دست آورد.

اکنون باید به علل و عوامل رشد و تکامل مدارس فقهی و آنچه در تکوین فقه نقش دارد بپردازیم. سه عامل مهم در این تکون و تکامل نقش داشته و دارند که عبارتند از:

۱. زمان

مقصود ما از زمان آنطور که عموماً می‌پندارند، گذشت دقائق و لحظات نیست زیرا که آن به نظر ما چندان اهمیتی ندارد بلکه منظور ما آن مقدار کار و عملی است که در محدوده خاص زمانی انجام پذیرفته باشد. بدون تردید سطح آموزش فقه در عصر شهید با زمان شیخ طوسی متفاوت است. به این معنی که شیخ طوسی کار فقه را از سطح فروتر و پائین‌تری که شهید، شروع کرده بود آغاز کرد. در حالی که شهید، فقه را از سطحی شروع کرد که شیخ طوسی و محققین پس از وی به پایان رسانیده بودند. بنابراین عامل زمان در تحول و تکامل فقه، نقش مهمی را دارا است.

۲. محیط

بی‌شک تحقیق و بحث پیرامون فقه، تحت تأثیر مراکز فرهنگی‌ای بود که فقه بدانها انتقال می‌یافت. بطوری که هر یک از این حوزه‌های فقهی در روش تحقیق و بحث و شیوه علمی از فقه شیعه اثر می‌یافت و همین امر در تکوین و تکمیل فقه تأثیر قابل توجهی داشت. مثلاً هنگامی که

عهده گرفته است... و از آن جمله‌اند: ابن عباس دانشمند و فقیه امت اسلامی و سلمان فارسی و ابوذر غفاری و ابو رافع ابراهیم (غلام پیغمبر). نجاشی می‌گوید: «ابو رافع از همان آغاز در مکه، اسلام آورد و به مدینه هجرت کرد و در همه جا با پیامبر حاضر می‌شد و پس از آن حضرت، با امیرالمؤمنین بود و از بهترین رجال شیعه به شمار می‌رفت و کتاب السنن والاحکام والقضاء از اوست.»^(۱)

گروه زیادی از تابعین و شیعیان امیرالمؤمنین (ع) (سنت نبوی) را حفظ می‌کردند و به صورت امانت به نسلهای آینده انتقال می‌دادند، بگونه‌ای که ذهبی در میزان الاعتدال، می‌گوید: «این تشیع در میان تابعین، افراد متدین و با تقوی و راستگو بسیار دارد که اگر احادیث آنان مردود شناخته شود آثار رسالت جملگی محو خواهد شد.»^(۲)

چون عمر بن الخطاب تدوین حدیث نبوی را منع کرده بود و انگیزه آن عمل، هنوز بر ما مجهول است، سنت رسول الله در صندوق سینه صحابه و تابعین بایگانی و نگهداری می‌شد و نسل به نسل و سینه به سینه نقل می‌گردید تا خلافت به عمر بن عبدالعزیز رسید و او محمد بن مسلم شهاب (زهري) را مأمور جمع‌آوری و تدوین حدیث کرد و قبل از این زمان هیچ یک از محدثین صحابه و تابعین غیر شیعه تدوین سنت نبوی را نظر نداده‌اند.

اما فقیهان شیعه، آنگونه که تاریخ برای ما بیان می‌کند، چند مجموعه‌ی مهم در حدیث گرد آوردند و امیرالمؤمنین (ع) نخستین شخصیتی است که در زمینه تصنیف فقه و تدوین احادیث رسول اکرم (ص) اقدام کرد، با آنکه عمر بن الخطاب با نظرایشان موافق نبود.

سیوطی می‌گوید: «میان صحابه و تابعین،

در سه رشد و شکوفایی و تکامل مرحله‌ای خاص بود رادر آن شهر بخصوص به اتمام رسانده و آن مکان در تکوین و تبلور آن نقش عمده‌ای داشته است، هر چند نقاط دیگر نیز در تکامل این مدرسه ثیر گذارده و آثاری برجای نهاده باشند.

مهمترین مدارس فقهی شیعه تا زمان شهید ننی بر حسب ترتیب زمان عبارتند از:

۱. مدرسه مدینه منوره. این مدرسه تا واسط قرن دوم (عصر امام صادق (ع)) فعالیت داشت.
۲. مدرسه کوفه. این مدرسه در واسط قرن سوم پدید آمد و تا دهه سوم قرن چهارم (غیبت ببری ۳۲۹) برپا بود.

۳. مدرسه قم و ری. پیدایش این دو مدرسه در دهه سوم قرن چهارم بود و تا نیمه اول قرن پنجم عصر سید مرتضی و شیخ طوسی) استمرار داشت.

۴. مدرسه بغداد. این مدرسه از نیمه اول قرن پنجم پدید آمد و تا سقوط و تصرف بغداد به دست بولا کوخان مغول، تداوم یافت.

۵. مدرسه حله. کار این مدرسه از سقوط بغداد آغاز و تا زمان شهید ثانی ادامه پیدا کرد.

ادوار مختلف مدارس فقه شیعه

الف: دوره اول

دوره اول، همان زمان صحابه و تابعین است که از ظهور تمدن اسلامی در مدینه آغاز و تا زندگانی امام صادق (ع) ادامه یافت. و از آنجا که مدینه منوره نخستین خاستگاه تمدن اسلامی است، لذا جای شگفتی نیست که نخستین دانشگاه فقه اسلامی نیز همانجا برپا شود.

مدینه منوره، اولین زادگاه فقهای شیعه از میان صحابه و تابعین است... و فقهای صحابه، پس از معصومین (امیرالمؤمنین، زهرا، مرضیه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام) کسانی هستند که شخص پیامبر (ص) تعلیم و تربیت آنان را به

در کتابت علم، اختلاف زیاد وجود داشت، بطوریکه بسیاری از ایشان آن را مکروه دانسته و عده‌ای مباح شمرده و بدان می‌پرداختند، که علی و فرزندش حسن علیهما السلام از گروه اخیر بودند. (۳)

و کتاب الجامعه، بابیان و املائی پیامبر (ص) و خط علی بن ابیطالب (ع) نوشته شد و طول آن به هفتاد ذرع می‌رسید که بطور متواتر در احادیث ائمه اهل بیت (ع) از آن نقل شده است. (۴)

سلمان فارسی نیز، بنا به گفته ابن شهر آشوب، مجموعه‌ای در حدیث داشته است.

علی بن ابی‌رافع (غلام پیغمبر) نیز از فقهاء شیعه و خواص امیرالمؤمنین بوده است. نجاشی گوید: «وی از تابعین و از برگزیدگان شیعه و از همراهان امیرالمؤمنین و منشی آن جناب بود و احادیث بسیار از امام در حفظ داشت و کتابی در فروع فقه چون وضوء، صلوٰه و ابواب دیگر فقه تدوین کرد که بسیار برای آن کتاب‌ارج و اهمیت قائل بودند. (۵)

دیگر سعید بن مسیب که یکی از فقهاء سته است و قاسم بن محمد ابی‌بکر است که ابو ایوب می‌گوید: «با فضیلت‌تر از وی ندیده‌ام».

در کتاب کافی از یحیی بن جریر نقل شده است که امام صادق فرمود: «سعید بن مسیب و قاسم بن محمد بن ابی‌بکر و ابو خالد کابلی از افراد مورد اعتماد علی بن حسین (ع) بودند.» (۶)

به هر حال فقهای شیعه و در رأس آنان ائمه اهل بیت صلوات‌الله علیهم، نهضت فکری جهان اسلام را رهبری می‌کردند و این نهضت فکری به شکلی خاص از مدینه منوره سرچشمه گرفت و اوج شکوفایی و شدت پویایی آن به زمان امام صادق منتهی شد. مدینه، در عصر امام صادق زیبایی و جلوه‌های خاصی داشت و شهر از طلاب علوم و هیئتهای علمی اعزامی از ممالک اسلامی، موج

می‌زد. حلقات درس بطور منظم در آنجا تشش می‌شد و بیت امام مانند یک دانشگاه اسلام محل ازدحام و آمد و شد دانشمندان و محد بود و تشنگان دانش از طبقات و اصناف مختلف چشمة زلال و زاینده علم امام سیراب می‌شدند

ابن حجر به نقل از امام صادق (ع) می‌گوید مردم علوم و معارف را از امام، اقتباس می‌کردند و همچون کاروانی این گالای ارزنده را به شه و دوستانشان می‌رساندند و بدین ترتیب نا آوازه امام صادق در کشورهای اسلامی انتقام یافت.

راویان بزرگی، همچون یحیی بن سعید و اب جریح و مالک و سفیانین و ابو حنیفه و شعبه ایوب سختیابانی، از آن حضرت روایت می‌کردند. (۷)

بنابراین، مدینه، در روزگار امام باقر و امام صادق علیهما السلام دانشگاه فقه شیعه و مرکز بزرگ نشر اندیشه و دانش، در جهان اسلام شمار می‌رفت.

اگر بخواهیم عدد فقهای شیعه و آثارشان را این دوره برشماریم سخن به درازا می‌گشند پژوهندگان برای اینکه عمق تأثیر فقهای شیعه در این فاصله یکصد و پنجاه ساله، در فقه و سنن رسول‌الله بشناسند و دریابند، کافی است به کتابهای اعیان‌الشیعه، رجال‌کشی، رجس‌نجاشی، تأسیس‌الشیعه لعلوم الاسلام، مراجع کنند.

آنچه باید به آن اشاره شود این است که سیمای مدرسه فقاقت، در این دوره در مدینه حدودی ابتدائی و مقدماتی بوده و مسائل خلا در روش بحث علمی و اجتهاد و استنباط احکام بین شیعه و اهل سنت، آنگونه که بعدها در ک به دست شاگردان امام صادق شکل گرفت و زمان حضرت رضا (ع) ادامه پیدا کرد، شک

گردآوری و ترتیب ابواب به جز تصنیف امیر المؤمنین علی (ع).

۲. عدم تشکل مسائل خلافی بین مذاهب فقهی اسلام به صورت روشن و آشکار.

۳. عدم اتخاذ ملاک و مقیاس اجتهادی و فتوایی در مواردی که نص وجود ندارد و نیز در مواردی که احادیث فقهی تعارض دارند.

ب: دوره دوم

در اواخر زندگانی امام صادق (ع) مرکز فقه شیعه، از مدینه به کوفه انتقال یافت و حیات نوین فقه در آنجا آغاز شد. در آن هنگام کوفه کانون بزرگ اندیشه و صنعت به شمار می‌رفت و هیئتهای علمی و بازرگانی رهسپار آن سامان می‌شدند. بلاذری آورده است: چهار هزار نفر از عامه مردم ایران به کوفه کوچ کردند.^(۸)

ورود عناصر گوناگون برای تحصیل علم یا بازرگانی به کوفه قطعاً در زاینده‌گی و شکوفایی عقلانی و ذهنی این مدرسه نقش شگرفی داشت، همچنانکه در تکامل و دگرگونی مسائل تعقلی آن نیز نقش مهمی داشت. علاوه بر این گروههایی از صحابه و تابعین و فقها و شخصیتهای اسلامی از شهرهای مختلف به کوفه مهاجرت کردند و کوفه به جهت حضور امام صادق و انتقال حوزه فقه شیعه به آنجا، از بزرگترین مراکز اسلامی محسوب شد. براقی در کتاب تاریخ کوفه، نام یکصد و چهل و هشت صحابی را که به کوفه مهاجرت کرده و در آنجا سکنی گزیده‌اند برشمرده است. علاوه بر اینها هزاران نفر از تابعین و فقها و نیز خاندانهای اهل علم به این شهر رهسپار شده و سکنی گزیدند.^(۹)

ابن سعد، در طبقات خود، سرگذشت ۸۵۰ تن از تابعین را که در کوفه اسکان گزیده بودند آورده است.^(۱۰)

گرفته بود. بنابراین، اختلاف در قیاس و استحسان و رأی و اجتهاد بطور آشکار، در این دوره و در این مدرسه به نظر نمی‌رسد.

البته، مدینه، سرآغاز حرکت فقه شیعی و نخستین مرکز بررسی فقه شیعه محسوب شده و مدرسه فقهات از آنجا به کوفه منتقل گردیده و ماهیم در آنجا تبلور یافته است و نیز نقاط برخورد آراء و عقاید مذاهب فقهی از مدینه آشکار شده است.

تالیفات حدیثی، منحصر به تعداد معدودی از مجموعه‌های معروفی بود که در مدینه، تدوین و تکمیل شد و البته بسیاری از آنها از میان رفت. بن تالیفات، به جز تصنیف امیرالمؤمنین (ع) هیچ یک دوره کاملی از احادیث نبوی نبود، بلکه فقط زبده‌ها و گلچینهایی از سنت رسول و احکام فقه در بر می‌گرفت و کتب فقهی (به عنوان فتوی) به بعدها پدید آمد در این دوره به چشم می‌خورد. تنها مجموعه‌های حدیثی و روایات نبوی بود که بیشتر در این دوره فراهم می‌شد و دست به دست می‌گشت و بعدها، معیارهای خاص اجتهاد و فتوی، به صورت کامل نزد فقهای شیعه تبلور یافت و ملاکهای معین برای بررسی اخبار تعارض پیدا شد. زیرا احادیث معمول تا این تاریخ چندان در مجموعه‌های روایات رخنه نکرده بود و احادیث متعارض و متضاد زیاد به چشم نمی‌خورد و رجوع فقها، به ائمه اطهار (ع) برای سؤال کردن در مورد درخواست و نیاز خود یا رد امری دشوار نبود و در بررسی احادیث متعارض و شناخت صحیح از سقیم احتیاج مبرمی به معیار و مقیاسی در رأی و اجتهاد، به نظر نمی‌رسید.

با توجه به آنچه گذشت می‌توانیم سیمای این عصر را در سه عبارت ترسیم کنیم:

۱. کمبود کتب حدیث و نامنظم بودن آنها در

باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده است.

حافظ (ابوالعباس بن عقده) همدانی کوفی (متوفای ۳۳۳)، کتابی در فهرست اسامی کسا که از امام صادق حدیث نقل می‌کردند، تصنیف کرد و شرح احوال چهار هزار شخصیت را در درج نمود. (۱۲)

خاندان آل اعین و آل حیان تغلبی و بنی عطف و بنی دراج و دیگر خاندانهای اهل کوفه که تشیع معروف و به فقه مشهور بوده‌اند، علاقه بر خاندانهایی از اهل کوفه هستند که منتسب به امام صادق (ع) بوده و به فقه شهرت یافته‌اند. (۴) تمام این دیدارها و حسن استقبالها نسبت به شخصیت امام در کوفه موجب شد که رژیم عباسی، با احتیاط با امام برخورد کند.

در حقیقت منصور دوانقی از آن بیم داشت که مبادا مردم شیفته و مفتون امام شوند (به تعبیر خود منصور). لذا وقتی توجه فقیهان و استقبالیان توده مردم و احترام و تجلیل آنان را نسبت به او دید، امام را به بغداد طلبید که داستانی مفصّل دارد و نقلش در اینجا ضروری نیست.

داستان هرچه باشد «دانشگاه فقه شیعه» کوفه به دست امام صادق و شاگردان او رشد شکوفایی یافت و این بر اثر حرکت علمی توانمندی است که امام صادق در این محوری فکری ایجاد کرد. به هر حال کوفه تا «غیبت کبری» به صورت پایگاهی برای ائمه باقی‌ماند. فقهای شیعه پس از آن در کوفه استقرار نیافتند ولی کوفه که به توسط امام صادق (ع) به یک دانشگاه اسلامی در فقه و حدیث و تفسیر و عقاید اسلامی دیگر تحول یافته بود، پایگاه و مبدأ نهضت علمی و عقلانی در تاریخ اسلام گردید. بعد از آن نیز کوفه از مهمترین مراکز فقه شیعه محسوب می‌شد. هیئتهای اعزامی اسلام

در چنین وقتی (روزگار ابوالعباس سفاح) امام صادق (ع) به کوفه تشریف آوردند و مدت اقامتشان در کوفه دو سال طول کشید.

امام صادق (ع) در این فرصت مناسب، که مخالفت‌های تند و مزاحمت‌های سیاسی وجود نداشت، به نشر و ترویج مذهب تشیع پرداخت. چون در این برهه، حکومت اموی ساقط و حکومت عباسیان بر سرکار می‌آمد و امام (ع) در فاصله آن سقوط و این ظهور، فرصت را مغتنم شمرده و به نشر و تبلیغ اساس و اصول مکتب تشیع قیام کرد، شیعیان نیز دسته دسته و یا انفرادی از هر سوی برای دانش‌اندوزی به نزد امام می‌رفتند و چون تشنگان، از زلال علم امام سیراب و از علوم مختلف بهره‌ها برده و آن علوم را بصورت احادیث نقل می‌کردند. اقامتگاه امام در این هنگام در کوفه در محله بنی‌عبد القیس بود. (۱۱)

محمد بن معروف هلالی می‌گوید: «به حیره به دیدار جعفر بن محمد صادق (ع) رفتم اما از انبوه جمعیت، موفق نشدم، وقتی روز چهارم رسید امام مرا دید و نزدیک آمد، مردم کنار رفتند و راه دادند، امام آهنگ زیارت قبر امیرمومنان علی (ع) را کرد و من هم دنبال ایشان حرکت کردم و در همان حال که با آن جناب گام برمی‌داشتم به سخنانشان گوش فرامی‌دادم.

حسن بن علی و شاه، برای ابن عیسی قمی نقل می‌کند: «که من در همین مسجد (منظور مسجد کوفه است)، نهصد شیخ را به حضور رسیدم که همه می‌گفتند: «حدیثی جعفر بن محمد علیه‌السلام».» (۱۲)

از جمله یاران امام و از فقیهان کوفه ابان بن تغلب کوفی است که مقیم کننده بود و سی هزار حدیث از آن حضرت روایت کرده و دیگر محمد بن مسلم کوفی است که چهل هزار حدیث از امام

بخش مهمی از آن از بین رفته است. (۱۶)
به هر حال، در این دوره، روایت و تدوین حدیث، آنچنان گسترش و شکوفایی یافت که نظیر آن را در هیچ دوره و در هیچ مذهب از مذاهب عامه اسلامی نمی‌توان دید. چنانچه تالیفات هشام کلبی بیش از دویست کتاب و ابن شاذان یکصد و هشتاد کتاب و ابن یکنص کتاب و ابن ابی عمیر نود و چهار کتاب است. (۱۷)

شیخ آغا بزرگ تهرانی در الذریعة خود شرح حال دویست تن از شاگردان امام صادق (ع) را که صاحب تصنیف هستند آورده است به جز یاران سایر ائمه که صاحب تالیفات هستند و در کتب اصول هفتصدوسی و نه کتاب برای آنان ذکر شده است. (۱۸)

به گفته شیخ طوسی در الفهرست، ابان بن تغلب سی هزار حدیث از امام صادق روایت می‌کرد و آل‌اعین به تنهایی چندین برابر ایشان، و یوسف بن عبدالرحمن و بزظلی و صدها مانند ایشان از مولفان و مصنفان بزرگ، از امام صادق (ع) روایت می‌کردند و هر کدام دهها کتاب در حدیث و تفسیر و فقه تدوین کرده‌اند.

منظور فراگیری فقه به این شهر رهسپار شدند و به دنبال آنان دانشمندان مسلمان نیز منظور تدریس و تحقیق و تتبع در فقه، راهی مرکز علمی می‌شدند.

نیاید از نظر دور داشت که دشواریهای بزرگی که اهل بیت (ع) و فقهای شیعه و راویان حدیث بشار دستگاه حاکم وارد می‌شد تا جایی که سی از آنان برای اینکه به شیعه بودن متهم شوند وقتی در راه، امام را می‌دیدند روی می‌گرداندند و عده‌ای نیز از ترس جاسوسان مور برخانه‌های اهل بیت (ع) شبانه به ملاقات می‌رفتند.

با وجود این همه مخالفتها و تهمت‌ها و افتراهایی دستگاه جائر اعمال می‌کرد، فقه شیعه و چنین تدوین حدیث گامی بلند در این دوره به برداشت و میراث عظیم فرهنگ اسلامی را می‌ما برجای نهاد که کتابخانه‌ها سرشار از آن و رةالمعارفهای پرحجمی چون بحار الانوار، بواهر، الحدائق الناضرة، وسائل الشیعه براساس میراث پراچ تدوین یافتند.

دانشمندان اسلامی شیعه هم‌عصر ائمه هار (ع)، در زمینه احادیث، از طریق اهل بیت، بهایی تصنیف کردند که بنا به گفته شیخ حرملی (در کتاب وسائل پایان فائده چهارم) بیش از ۶۶۰۰ جلد بوده و در کتب رجال مذکور است. (۱۵) از میان این کتابها که هر کدام به تنهایی می‌تواند سرمایه بزرگی در فقه، حدیث یا تفسیر جهان تفکر اسلامی به شمار آید، ۴۰۰ کتاب بود دارد که از ویژگی و امتیاز خاصی برخوردار است و بعدها به (اصول اربعمائه) شهرت یافت و البته مقداری از این اصول اربعمائه ننی بوده یا هست. بسیاری از آن نزد شیخ حرملی و قسمتی نزد علامه مجلسی و بخشی از آن در علامه نوری محفوظ مانده بود. با وجود این،

۱. اعیان الشیعه، ج ۱، القسم الثانی، ص ۳۴-۳۵.
۲. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵.
۳. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۴.
۴. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۹۰.
۵. رجال النجاشی، ص ۵.
۶. تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۲۹۹.
۷. الصواعق المحرقة، ص ۱۹۹.
۸. تاریخ الکوفه، ص ۳۸۲-۳۹۵.
۹. طبقات ابن سعد، ص ۶.
۱۰. تاریخ الکوفه للبراقی، ص ۴۰۸.
۱۱. رجال النجاشی ترجمه الوشاء، ص ۳۱.
۱۲. تاریخ الکوفه للبراقی، ص ۴۰۸.
۱۳. تاریخ الکوفه للبراقی، ص ۳۹۶-۴۰۷.
۱۴. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۲۳.
۱۵. اعیان الشیعه ج ۱، القسم الثانی، ص ۳۷.
۱۶. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۱۷.
۱۷. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۱-۳۷۴.